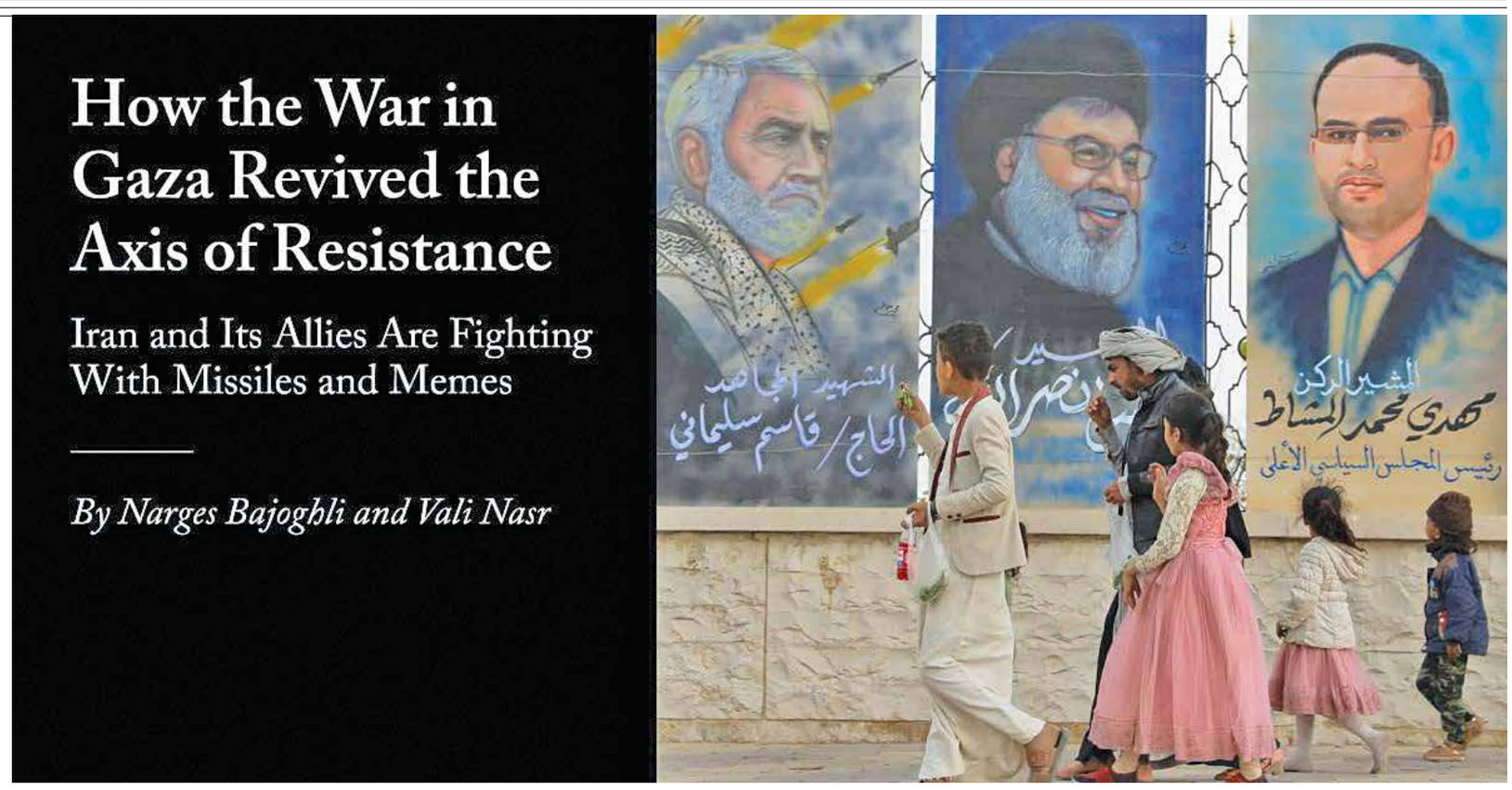

نویسندگان کتاب «چگونگی عملکرد تحریم‌ها: ایران و تأثیر جنگ اقتصادی» بررسی کردند

جنگ غزه و قدرت محور مقاومت

ترجمه

نرگس باج‌اوغلی، ولی نصر
فارین افرز

نرگس باج‌اوغلی و ولی نصر، دو نفر از نویسندگان کتاب «چگونگی عملکرد تحریم‌ها: ایران و تأثیر جنگ اقتصادی»، در مقاله‌ای جدید که در فارین افرز به چاپ رسیده است، مهم‌ترین پیامد جنگ غزه را احیای محور مقاومت دانستند و به تشریح رابطه این دو پرداختند. نرگس باج‌اوغلی که مردم‌شناس و استادیار مطالعات خاورمیانه در دانشکده مطالعات بین‌المللی پیشرفته دانشگاه جانز هاپکینز و ولی نصر هم استاد امور بین‌الملل و مطالعات خاورمیانه در این دانشگاه است، حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر را نشان‌دهنده توانایی و تأثیر محور مقاومت اعلام کردند که فراتر از قلمرو فلسطینی‌ها گسترده شده و شامل لبنان، سوریه، عراق، یمن و ایران می‌شود. به گفته این دو، غرب، تهران را به عنوان مغز متفکر پشت این شبکه می‌بیند و تردیدی نیست که محور مقاومت بازتابی از چشم‌انداز راهبردی ایران است. متن ترجمه شده این مقاله مفصل را در ادامه بخوانید؛

بازی بسیار متفاوت اعضای محور مقاومت

دوازده ژانویه ایالات‌متحده و بریتانیا حملات نظامی‌شان را به اهداف حوثی‌ها در یمن آغاز کردند. این حملات پاسخی به حملات این گروه به کشتیرانی تجاری در دریای سرخ بود که تجارت جهانی را مختل کرده بود. اقدامات حوثی‌ها به طور موقت آنها را به اعضای برجسته‌ترین ائتلاف نظامی تبدیل کرد که در پی ترور صالح العاروری و سایر رهبران حماس در بیروت در تاریخ ۲ ژانویه، در سراسر منطقه فعالیت خود را افزایش داده بودند، زیرا پس از مرگ آنها، فرمانده حزب‌الله، حسن نصرالله قسم یاد کرد انتقام بگیرد و اعلام کرد که مبارزه با اسرائیل چیزی کمتر از یک «محور مقاومت» نمی‌طلبد. ساعاتی پس از آن سخنان وی به سرعت در ویدیوهایی با تولید حرفه‌ای گنجانده و به طور گسترده پخش شد، سپس محور مقاومت دست به حمله زد. حزب‌الله با ۶۲ موشک پایگاه نظارت هوایی مرون اسرائیل را هدف قرار داد، گروه مقاومت اسلامی مستقر در عراق با پهپادهایی به پایگاه‌های امریکا در سوریه و عراق حمله کرد و با یک موشک کروز برد بلند شهر حیفای اسرائیل را هدف گرفت، حوثی‌ها در دریای سرخ حمله کردند و ایران یک نفتکش را در خلیج عمان تصرف کرد.

هرچند هم کشورهای غربی و هم کشورهای منطقه ادعا می‌کنند نمی‌خواهند جنگ در نوار غزه به یک درگیری منطقه‌ای تبدیل شود، اما ایران، حزب‌الله، حوثی‌ها و سایر اعضای محور در حال انجام یک بازی بسیار متفاوت هستند. آنها آهسته و پیوسته در حال ایجاد ائتلافی از نیروها در سراسر یک میدان نبرد به گستره کل منطقه هستند. این روند با ایران و حزب‌الله آغاز شد اما به سرعت در حال تبدیل شدن به چیزی بزرگ‌تر از اجزای آن است. سایر اعضای این محور شامل حوثی‌ها در یمن، حماس و جهاد اسلامی در فلسطین و شبه‌نظامیان شیعه در عراق و سوریه می‌شوند. تشکیل این محور چالشی مستقیم برای نظم منطقه‌ای است که غرب در گذر دهه‌ها در خاورمیانه ایجاد و از آن دفاع کرده است. همچنین همان‌طور که حملات ایرانی‌ها و حوثی‌ها به کشتیرانی در دریای سرخ نشان می‌دهد، این محور تهدیدی برای تجارت جهانی و عرضه انرژی نیز هست.

توانایی مقاومت فراتر از قلمرو فلسطینی‌ها

حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر نشان‌دهنده توانایی و تأثیر محور مقاومت بود که فراتر از قلمرو فلسطینی‌ها گسترده شده است و شامل لبنان، سوریه، عراق، یمن و ایران می‌شود. غرب، تهران را به عنوان مغز متفکر پشت این شبکه می‌بیند و تردیدی نیست که محور مقاومت بازتابی از چشم‌انداز راهبردی ایران است. در حقیقت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اعضای این محور توانایی‌های نظامی مرگبار و پشتیبانی هماهنگ‌کننده می‌دهد، اما تهران نه عروسک‌گردان این صحنه است و نه انسجام و نقش منطقه‌ای محور، تنها بازتاب دستورات ایران است.

به جای آن، این محور به واسطه نفرت مشترک خود از «استعمار» امریکا و اسرائیل به هم پیوند خورده است. حزب‌الله معتقد است واشنگتن و تل‌آویو در امور لبنان دخالت می‌کنند و حماس، حوثی‌ها و شبه‌نظامیان شیعه عراق نیز همین باور را در مورد قلمروهای خود دارند. همان‌طور که نصرالله بیان کرده است، گروه‌های مختلف چه لبنانی، فلسطینی یا یمنی باشند، با همان مشکلات و دشمن روبه‌رو هستند. این بدان معناست که آنچه در یک قلمرو رخ می‌دهد مستقیماً با سایرین مرتبط است. این محور به جای آنکه خود را ابزار ایران بداند، به عنوان یک اتحاد مبتنی بر اهداف راهبردی مشترک و با روحیه «همه برای یکی و یکی برای همه» می‌بیند. اعضای محور معتقدند همه آنها در یک جنگ مشترک علیه اسرائیل و به طور غیرمستقیم علیه ایالات‌متحده درگیرند. این به این معناست که نه هشدارها و نه حملات امریکا، محور را وادار به عقب‌نشینی نخواهد کرد. ایالات‌متحده نخواهد توانست خود را از یک دوره خطرناک تشدید دور نگه دارد مگر اینکه آتشبار در غزه خاموش شود، فشار بر جمعیت آن کاهش یابد و مسیری قابل اعتماد به سوی حاکمیت و خودمختاری فلسطینی‌ها ترسیم شود.

محور مقاومت در چه سالی به وجود آمد؟

طرح کلان تهران: محور مقاومت در هفتم اکتبر به وجود نیامد بلکه پس از حمله نظامی ۲۰۰۳ امریکا به عراق شکل گرفت. بنیانگذار آن نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرمانده پیشین آن قاسم سلیمانی، این شبکه را بر پایه روابط نزدیک ایران با حزب‌الله بنا و از تجربیات ایران و حزب‌الله در جنگ با عراق و اسرائیل در دهه ۱۹۸۰ استفاده کرد. از همان ابتدا سلیمانی به دنبال ایجاد یک شبکه انعطاف‌پذیر بود، جایی که هر جزء از محور بتواند خودکفا باشد. هرچند ممکن است آموزش و مهمات از ایران بیاید اما انتظار می‌رفت هر واحدی تاکتیک‌ها، فناوری‌ها و سلاح‌ها را بیاموزد و به کار گیرد.

در روزهای آغازین، هدف اصلی محور نوپای مقاومت شکست طرح‌های ایالات‌متحده برای اشغال عراق بود. به همین منظور تهران و حزب‌الله با موفقیت شبه‌نظامیان، محلی را ایجاد کردند که با نیروهای امریکایی مبارزه می‌کرد. پس از آنکه داعش در سال ۲۰۱۴ کنترل بخش‌های بزرگی از عراق و سوریه را به دست گرفت، گروه‌های شبه‌نظامی مشابهی برای مبارزه با این نیروهای تندرو مذهبی که هم رژیم اسد در سوریه و هم کنترل شیعیان عراق را تهدید می‌کرد، تأسیس شدند. جنگ داخلی سوریه به نقطه عطفی برای محور تبدیل شد، زمانی که ایران، حزب‌الله و میلیشیاهای شیعه در عراق و سوریه علیه دشمن مشترک خود مبارزه کردند. با این کار این کشورها و گروه‌ها توانایی‌های نظامی و اطلاعاتی خود را گسترش دادند و منطق استراتژیک اتحاد خود را تقویت کردند. طی این دوران بود که ایران روابط خود را با شورشیان حوثی یمن تقویت کرد، آنها را در این اتحاد رو به گسترش گنجاند و بیرق محور مقاومت را برافراشت.

در طول دهه گذشته ایران و حزب‌الله موشک‌ها، پهپادها و راکت‌های پیشرفته‌ای را در غزه، عراق، سوریه و یمن مستقر کرده‌اند. آنها همچنین به حماس و حوثی‌ها آموزش داده‌اند تسلیحات مورد نیاز خود را بسازند. موفقیت این رویکرد با توسعه و استفاده ماهرانه حماس و حوثی‌ها از موشک‌ها ثابت شده است. اعضای این محور همچنین در زمینه ارتباطات رسانه‌ای آموزش دیده‌اند. به آنها کمک شده تا کانال‌های مالی خود را برپا سازند و آموخته‌اند که چگونه از مقاومت مدنی بویژه در کرانه باختری پشتیبانی کنند. جانشین سلیمانی، اسماعیل قاآنی این میراث را تداوم داده و محور را بیشتر غیرمتمرکز کرده و به طور فزاینده‌ای تصمیم‌گیری‌های تاکتیکی و عملیاتی را به واحدهای محلی و فرماندهان آنها واگذار کرده است.

بیرون راندن ایالات متحده از خاورمیانه

این شبکه به تهران کمک کرده تا هدف دیرینه خود، یعنی بیرون راندن ایالات متحده از خاورمیانه را بیشتر به جلو ببرد. از انقلاب ۱۹۷۹، تهران بر حفاظت از کشور در برابر واشنگتن، که رهبران ایرانی معتقدند عزم جزمی به نابودی جمهوری اسلامی دارد، متمرکز شده است. به همین منظور، ایران در پی خنثی کردن تلاش‌های امریکا برای مهار اقتصادی و نظامی خود بوده است. ایران در تلاش بوده نیروهای نظامی امریکا را از کشورهای هم‌مرز با ایران و خلیج فارس خارج کند، بنابراین محور مقاومت برای تهران از این جهت ارزشمند بوده که توجه نیروهای امریکایی را از مرزهای ایران دور نگه دارد.

ارزش راهبردی محور مقاومت برای تهران در ۸ سال گذشته با افزایش خصومت‌های واشنگتن بیشتر شده است. در سال ۲۰۱۸، رئیس‌جمهور امریکا دونالد ترامپ از توافق هسته‌ای با ایران خارج شد و تحریم‌های حداکثری را علیه این کشور اعمال کرد و در سال ۲۰۲۰ دستور کشتن سلیمانی را داد. این اقدامات تهران را نسبت به ضرورت یک محور قدرتمندتر و متحدتر متقاعد کرد که از مدیترانه تا خلیج فارس گسترده است و می‌تواند فشار بر واشنگتن را افزایش دهد. در این زمینه، برنامه هسته‌ای ایران نه‌تنها به عنوان یک اهرم مذاکره برای لغو تحریم‌ها، بلکه به عنوان بازدارنده‌ای که می‌توانست محور مقاومت را از حمله امریکا محافظت کند، اهمیت یافت.

هماهنگی اعضای محور مقاومت با اهداف تهران

دیگر اعضای محور مقاومت با اهداف تهران در سراسر منطقه هماهنگ هستند که این اهداف همچنین بازتاب منافع محلی خود آنهاست. به عنوان مثال، حزب‌الله با انگیزه حفاظت از جنوب لبنان در برابر آنچه که آن را طمع‌های توسعه‌طلبانه اسرائیل می‌داند، هدایت می‌شود که به زعم آنها شامل سرزمین‌هایی در سوریه و اردن نیز هست. شبه‌نظامیان شیعه در عراق بر خارج کردن نیروهای امریکایی از کشورشان و همچنین پیروزی در آنچه که آنها جنگ داخلی ناتمام با سنی‌های این کشور می‌دانند، متمرکز هستند. حوثی‌ها خواستار به دست آوردن قدرت بر تمام یمن هستند و تلاش‌های عربستان سعودی و امارات متحده عربی برای جلوگیری از آن را نمی پسند ند .

همه برای یکی

با این حال، محور مقاومت در نهایت یک اتحاد نظامی است، بنابراین اعضای آن در اتحاد با هم، قوی‌تر هستند. گرچه حماس حمله ۷ اکتبر را طراحی و اجرا کرد، اما ایران و حزب‌الله بیشتر مسئول ارتقای توانایی‌های حماس بودند. در واقع، همان‌طور که نشست‌های متعدد بیروت با حضور رهبران ارشد حماس، حزب‌الله، جهاد اسلامی فلسطین، سپاه پاسداران و شبه‌نظامیان حوثی و عراقی قبل از حمله ۷ اکتبر حماس نشان می‌دهد، احتمالاً اعضای محور مقاومت از برنامه‌های حماس آگاه بودند و از آنها حمایت می‌کردند. برای حماس، هدف اصلی از این حمله، مختل کردن وضعیت موجود بود که به آرامی اما قطعی در مسیر خاموش کردن مسأله فلسطین حرکت می‌کرد. حماس می‌خواست مبارزه فلسطینی‌ها به صدر سیاست‌های عربی بازگردد.

برای ایران و حزب‌الله نیز، بازگرداندن مسأله فلسطین به کانون توجه عمومی، این مزیت را داشت که اسرائیل را در وضعیت دفاعی قرار می‌دهد و این امر احتمال عادی‌سازی بیشتر روابط میان اسرائیل و کشورهای عربی را کاهش می‌دهد. آنها همچنین به احتمال درگیر کردن اسرائیل در یک جنگ چندجبهه‌ای که منابعش را مصرف کند، علاقه‌مند هستند. به هر حال، این درگیری یک هدف دیرینه ایرانی را تحقق می‌بخشد: تهران بر این باور است که اگر اسرائیل با مسائل خود سرگرم نباشد، با مسائل ایران سرگرم خواهد بود.

موفقیت شگفت‌انگیز محور مقاومت

با این حال، نتیجه حمله حماس، مقیاس و شدت واکنش اسرائیل، فاجعه بشری که در پی آمده و گستره توجه جهانی، همگی رخدادهایی غیرمنتظره بودند. حماس و متحدان محور مقاومت انتظار نداشتند که حمله ۷ اکتبر به این اندازه موفقیت‌آمیز باشد، بلکه احتمالاً تصور می‌کردند که یک حمله سریع به اسرائیل به سرعت و با تلفات و گروگانگیری محدودی پایان می‌یابد. در این صورت، اسرائیل به غزه حمله می‌کرد، اما نه با بی‌پروایی و خشونت ویرانگری که به نمایش گذاشته است. موفقیت حمله حماس و مقیاس واکنش اسرائیل، محور مقاومت را شگفت‌زده کرد و در نتیجه اهداف و راهبرد خود را بازتنظیم کرد. اگرچه نه ایران و نه حزب‌الله خواهان یک جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر نیستند، با این حال، آنها هم به نیروهای اسرائیلی و امریکایی با پهپادها و موشک‌ها حمله کرده‌اند. حوثی‌ها نیز با اختلال در کشتیرانی در دریای سرخ به میدان آمده‌اند. آنها این کار را برای نشان دادن حمایت از فلسطینی‌ها و همچنین بازدارندگی ایالات متحده و اسرائیل از گسترش جنگ به لبنان انجام داده‌اند، یعنی نمایش آمادگی اعضای محور مقاومت برای جنگیدن. آنها امیدوارند که این اراده، اسرائیل را از گسترش تعرض‌اش بازدارد و از توانایی تل‌آویو برای گسترش جنگ در جبهه‌ای که خود انتخاب می‌کند، بدون رویارویی در تمام جبهه‌های محور مقاومت، جلوگیری کند.

تمام اعضای محور مقاومت در جنگ غزه شرکت کرده‌اند و در نتیجه، همه آنها در چشم اسرائیل و ایالات متحده مسئول شناخته شده‌اند. این مسأله پیوندها در درون محور مقاومت را بیشتر تقویت کرده است. اکنون همه آنها به یکدیگر وابسته‌اند و بر جلوگیری از پیروزی روشن اسرائیل در غزه تکیه دارند، زیرا اگر اسرائیل به پیروزی برسد، احتمالاً دیگر اعضای محور مقاومت را هدف خواهد گرفت؛ ابتدا حزب‌الله و در نهایت ایران را.

جنگ‌های رسانه‌ای

دوربین‌ها در حملات هفتم اکتبر حماس، همان‌قدر اهمیت داشتند که سلاح‌های کشنده مهم بودند. حماس با استفاده از دوربین‌های گوپرو GoPro که روی لباس مبارزان و نیز پهپادها برای ضبط شکستن دیوار امنیتی اسرائیل نصب شده بود، شروع به انتشار ویدیوهای آماده برای شبکه‌های اجتماعی کرد و تنها چند ساعت پس از حمله کنترل روایت جنگ را در دست گرفت. حماس از آن زمان به بعد نیز در زمینه رسانه‌ای هوشمندانه عمل کرده است. به عنوان مثال، در طول آتش‌بس موقت و تبادل گروگان‌ها در نوامبر ۲۰۲۳، گروگان‌های اسرائیلی خود را در وسط شهر غزه آزاد کرد، در حالی که دوربین‌ها آماده بودند تا لبخندها، دست دادن‌ها و خداحافظی‌شان با رانندگان خود را ضبط کنند. این کار برای مقابله با روایت‌های سیاستمداران اسرائیلی در مورد تروریست‌های «وحشی» و «حیوانات انسانی» طراحی شده بود. افکار عمومی در سراسر خاورمیانه، جنوب جهان و حتی غرب، به طور فزاینده‌ای این درگیری را به عنوان نتیجه‌ای از یک اشغال چند دهه‌ای می‌بینند، نه به عنوان پاسخی به تروریسم اسلامی. این نگرش، به طور ضمنی جهان‌بینی ضداستعماری محور را تأیید می‌کند و به محبوبیت بیشتر محور در سراسر منطقه می‌انجامد.

مقاومت به دنبال کسب محبوبیت جهانی

محور امیدوار است که محبوبیت جهانی خود را نیز افزایش دهد. برای اولین بار در چند دهه اخیر، مسأله فلسطین در سطح بین‌المللی برجسته شده که رهبران محور این را یک فرصت می‌بینند. طرح مجدد مسأله فلسطین، اسرائیل و ایالات متحده را منزوی کرده و انتقادات جهانی نسبت به استعمارگری شهرک‌نشین‌ها، اشغالگری و آپارتاید را افزایش می‌دهد. رهبران محور با این رویکرد ضدغربی که اخیراً توجه جدیدی را به خود جلب کرده، خواهان مقابله با غرب هستند. به همین منظور، رهبران محور این مفاهیم را در مرکز پیام‌رسانی خود قرار داده‌اند. اصطلاحات مذهبی پیچیده‌ای که دیرزمانی است بخشی از روایت ایران و حزب‌الله بوده، کنار گذاشته شده و به جای آن از کلمات و عبارات آشنا با لحن و ادبیات حقوق بشر و حقوق بین‌الملل استفاده شده است. نمونه آموزنده‌ای از این اتفاق به تازگی رخ داد، زمانی که حوثی‌ها ویدیویی به زبان انگلیسی در شبکه‌های اجتماعی منتشر کردند که اعلام می‌کرد حرکت تمام کشتی‌های تجاری مرتبط با اسرائیل یا مقصد اسرائیلی را در دریای سرخ ممنوع کرده‌اند.

ویدیو اعلام کرد که این عملیات نظامی «مطابق با مفاد ماده ۱ کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل‌کشی انجام می‌شود. این ماده تعهد می‌کند که تمام طرف‌های کنوانسیون موظف به جلوگیری از وقوع نسل‌کشی و مجازات مسئولین آن هستند.»

ویدیو با پیام «محاصره زمانی پایان می‌یابد که نسل‌کشی متوقف شود» به پایان می‌رسد. در تاریخ ۱۱ فوریه، انگلستان و ایالات متحده، یمن را بمباران کردند، در همان روزی که آفریقای جنوبی در دادگاه بین‌المللی دادگستری پرونده نسل‌کشی علیه اسرائیل را مطرح کرد. بار دیگر، در شبکه‌های اجتماعی پیامی منتشر شد که آفریقای جنوبی و یمن اقداماتی برای جلوگیری از نسل‌کشی انجام داده‌اند، در حالی که لندن و واشنگتن دوباره منطقه را بمباران کرده‌اند تا سرکوب را تقویت کنند. در همه این سه ماه گذشته، حوثی‌ها، بویژه، با ویدیوهایی که وایرال می‌شود، نوعی حمایت جهانی را در میان نسل Z کسب کرده‌اند.

همراهی معترضان لندنی با یمن

طی ۲۰ سال جنگ با تروریسم، اعضای محور مقاومت یا در سطح بین‌المللی ناشناخته بودند یا صرفاً به عنوان تروریست‌هایی شناخته می‌شدند که از نفرت نسبت به غرب انگیزه می‌گرفتند. از ۷ اکتبر به بعد، محور توانسته خود را با شرایط دلخواه خودش تعریف کند و با موفقیت، اقدامات خود را در راستای جنبش‌های ضداستعماری جهانی معرفی کند. آنها حتی موفقیت‌هایی را تجربه کرده‌اند که پیش از این غیرقابل تصور بود: این ماه، معترضان در لندن شعار دادند «یمن، یمن، ما را مفتخر کن، کشتی دیگری را برگردان.»

مبارزه با اسرائیل و امریکا در شبکه‌های اجتماعی

محور مقاومت، پس از این، نه تنها در میدان‌های نبرد خاورمیانه بلکه در شبکه‌های اجتماعی شامل اینستاگرام، تلگرام، تیک‌تاک و X با اسرائیل و ایالات متحده برای جلب توجه عمومی جهانی مبارزه می‌کند. در واقع، اظهارات نصرالله و آقای خامنه‌ای نشان می‌دهد که رهبران محور، در درازمدت نظر عمومی بین‌المللی را جایزه استراتژیک مهم‌تری می‌دانند. آنها می‌دانند که نمی‌توانند به روش نظامی، ایالات متحده را شکست دهند، بنابراین امیدوارند که با ایجاد فشار عمومی کافی، واشنگتن را مجبور به عقب‌نشینی از خاورمیانه و احترام به حاکمیت فلسطینیان کنند. به همین دلیل است که نصرالله از این واقعیت استقبال کرده که «به لطف شبکه‌های اجتماعی، اکنون اسرائیل به عنوان یک کشور تروریستی قاتل کودکان شناخته می‌شود.» وی افزوده است که «به برکت شبکه‌های اجتماعی، تصور جهانی از اسرائیل به عنوان «قاتل کودکان و زنان [که] مردم را آواره کرده و مسئول بزرگ‌ترین نسل‌کشی در قرن جاری است» تحقق یافته است. نصرالله همچنین توانایی شبکه‌های اجتماعی را در گسترش دیدگاهی که مسئولیت را بر دوش ایالات متحده می‌گذارد، ستایش کرده است. او گفت: «جنگ غزه یک جنگ امریکایی است، بمب‌ها امریکایی‌اند، تصمیم امریکایی است. دنیا امروز این را می‌داند.»

آغاز قدرتنمایی در جنگ نرم

برای محور مقاومت، این کمپین رسانه‌ای دقیقاً در زمان مناسب رخ می‌دهد. ایران و حزب‌الله از مدت‌ها پیش از اهمیت قدرت نرم آگاه بودند اما بطور تاریخی از تأثیرگذاری بر آن ناموفق بودند. با این حال، آنها این نقطه ضعف را شناسایی کرده و در دهه گذشته به ساخت یک زیرساخت رسانه‌ای قوی و چابک پرداختند که اکنون به چندین زبان فعال است و برای چنین لحظاتی طراحی شده است. امروزه، محور مقاومت ویدیوهای روزانه‌ای از عملیات‌های میدان نبرد منتشر می‌کند که شامل افکت‌های آهسته برای نمایش ضربات مستقیم به سربازان و تأسیسات نظامی اسرائیلی است. این محور ویدیوهایی از حوثی‌ها را که در کشتی‌های تصرف شده در دریای سرخ می‌رقصند در تیک‌تاک منتشر می‌کند و «میم»هایی تولید می‌کند که به منظور ایجاد طرفداری جهانی برای چهره‌های کلیدی محور، از جمله سخنگوی حماس ابو عبیده، طراحی شده‌اند. محتوای تولید شده همچنین شامل ستایش نصرالله است و با رهبران عرب مقایسه می‌شود که متهم به کم‌کاری برای فلسطینیان هستند. این تولیدات مکمل محتوای تولید شده در خارج از کشور برای حمایت از فلسطین هستند که دسترسی محور را به روش‌های بی‌سابقه‌ای گسترش می‌دهد.

اگر جنگ بزودی پایان نیابد...

کارزارهای نظامی و قدرت نرمی که محور مقاومت طراحی کرده، چالش‌های بی‌سابقه‌ای را در منطقه برای غرب و بویژه واشنگتن، ایجاد می‌کند. اگر جنگ بزودی پایان نیابد و مسیری روشن برای دستیابی به یک توافق عادلانه برای فلسطینیان تعیین نشود، ایالات متحده با منطقه‌ای روبه‌رو خواهد شد که سیاست‌های آن بیش از پیش تحت تأثیر خشمی است که باریکه غزه را در بر گرفته است. گسترش درگیری‌ها فراتر از غزه، چه توسط اسرائیل در لبنان یا توسط ایالات متحده و متحدانش در یمن، تنها این خشم را تغذیه کرده و افکار عمومی را بیشتر تحریک خواهد کرد و نفوذ محور را مستحکم‌تر خواهد ساخت. واشنگتن تنها می‌تواند این روند را با مذاکره برای برقراری آتش‌بس در غزه و سپس شکل‌دهی یک روند صلح معتبر که منجر به یک توافق نهایی شود، معکوس کند.

فرصت بزرگی به نام جنگ غزه

محور مقاومت، ساختاری است که سال‌ها زمان برده تا شکل بگیرد. جنگ در غزه فرصت بزرگی را برای این شبکه فراهم کرده است تا حمله‌ای نظامی و ارتباطی را علیه غرب راه‌اندازی کند. این شبکه هم‌اکنون از طریق اسلحه و سربازانش در منطقه و از طریق پیام و نمایندگانش در سطح جهانی خود را مطرح کرده است.

جنگ اسرائیل-حماس خاورمیانه را تغییر داده است: خشم عمومی فراوانی برانگیخته شده و کینه نسبت به غرب می‌تواند به افراط‌گرایی تازه و ناپایداری سیاسی دامن بزند. برای حاکمان منطقه، حتی کسانی که واشنگتن آنها را به عنوان متحدان خود محسوب می‌کند، جنگ تصورات بنیادین در مورد امنیت و روابط خود با غرب را تغییر داده است. ایالات متحده نه به راحتی می‌تواند محور مقاومت را منحل کند و نه می‌تواند ایده‌هایی که منجر به شکل‌گیری آن شده‌اند را شکست دهد. تنها راه برای خنثی کردن نیروی محور مقاومت، پایان دادن به جنگ در غزه و مذاکره برای دستیابی به یک توافق واقعی و عادلانه برای مسأله اسرائیلی-فلسطینی است. اگر نه، محور مقاومت یک واقعیت منطقه‌ای خواهد بود که ایالات متحده برای سال‌های زیادی باید با آن دست به گریبان باشد.

> آنچه در یک قلمرو رخ می‌دهد، مستقیماً با سایرین مرتبط است. این محور به جای آنکه خود را ابزار ایران بداند، به عنوان یک اتحاد مبتنی بر اهداف راهبردی مشترک و با روحیه «همه برای یکی و یکی برای همه» می‌بیند. اعضای محور معتقدند که همه آنها در یک جنگ مشترک علیه اسرائیل و به طور غیر مستقیم، علیه ایالات متحده درگیرند. این بدان معناست که نه هشدارها و نه حملات امریکا، محور را وادار به عقب‌نشینی نخواهد کرد

> طرح مجدد مسأله فلسطین، اسرائیل و ایالات متحده را منزوی کرده و انتقادات جهانی نسبت به استعمارگری شهرک‌نشین‌ها، اشغالگری و آپارتاید را افزایش می‌دهد. رهبران محور با این رویکرد ضدغربی که اخیراً توجه جدیدی را به خود جلب کرده، خواهان مقابله با غرب هستند. به همین منظور، رهبران محور این مفاهیم را در مرکز پیام‌رسانی خود قرار داده‌اند. اصطلاحات مذهبی پیچیده‌ای که دیرزمانی است بخشی از روایت ایران و حزب‌الله بوده، کنار گذاشته شده و به جای آن از کلمات و عبارات آشنا با لحن و ادبیات حقوق بشر و حقوق بین‌الملل استفاده شده است